

# پانزده سال با چشم انداز یا برنامه راهبردی؟

دکتر محمود دهقان طرزجانی<sup>۱</sup>

(تاریخ دریافت ۸۷/۱۰/۱۰ - تاریخ تصویب ۸۷/۲/۱۶)

## چکیده

پنج سال از اجرای چشم انداز ۲۰ ساله ایران ۱۴۰۴ می‌گذرد. در مدت پنج سال گذشته ده‌ها کارشناس اقتصاددان به نقد و بررسی آن پرداخته‌اند و همزمان با مدیریت عالی کشور، توده‌های مردم نیز از دولت انتظار دارند که با وجود چشم‌انداز ۲۰ ساله همانند یک برنامه راهبردی عمل کند و در این راستا بیشترین انتقادات را متوجه دولت هشتم (به خاطر عملکرد سال اول چشم‌انداز) و دولت نهم کرده و بدلیل انحراف از اهداف چشم انداز طی چهار سال گذشته به شدت انتقاد دارند. از طرفی دولت معتقد است که چشم انداز دارای تعاریف کلی و غیر عملیاتی است که با واقعیت سازگار نیست. در این پژوهش بطور مختصر تلاش شده تا تفاوت برنامه راهبردی و چشم‌انداز ترسیم و با نقد تداوم چشم‌انداز، نهادهای سیاستگذار را تشویق نماید تا بجای ۱۵ سال صبر برای اتمام چشم انداز ۲۰ ساله از هم اکنون فرصت ۱۵ ساله آینده کشور را از دست ندهند و با تدوین برنامه راهبردی ۱۵ سال آینده را برای استفاده بهینه در مسیر توسعه کشور غنیمت شمرند.

**واژگان کلیدی:** چشم‌انداز<sup>۲</sup>، مأموریت<sup>۱</sup>، برنامه راهبردی<sup>۳</sup>، نقشه راه<sup>۴</sup>، کمیون<sup>۵</sup>، N.G.O.

۱- دکترای روابط بین‌الملل و عضو هیئت علمی دانشکده صداوسیما، [info@vijehgroup.ir](mailto:info@vijehgroup.ir)

۲- طراحی برنامه‌ای ناظر به آینده با دو مفهوم اصلی پیش‌بینی و آینده‌نگری.

## مقدمه

عقل و دیعه بزرگ الهی به اشرف مخلوقات است و انسان با ابزار عقل همواره بدنبال پیدا کردن پاسخِ سئوالات پیرامون محیط زندگی خود است. انسان از دیرباز بدلیل تهدیدهای پیش‌رو، همواره بدنبال آن بوده که برای حفظ خود، از آینده‌اش مطلع باشد. انبیاء الهی نیز با ره‌آوردی از آیات و روایات، دنیا را میدانی برای فعالیت دنیوی و مزرعه‌ای برای کاشت نیکی و برداشت آن در زندگی جاودانه اخروی معرفی کردند. در مقابل پیامبران، پادشاهان نیز تلاش کردند تا با توسل به غیب‌گویان و رمالان، از آینده خود مطلع شوند.

با رشد علم و دانش و شکل‌گیری تدریجی جوامع جدید، آینده‌نگری بر اساس علم و تجربه، جای غیب‌گویان را گرفت و برنامه‌های کوتاه مدت ماهانه، بجای روز مرگی در اداره جوامع باب شد. قرون پانزدهم تا بیستم دوره برنامه‌های کوتاه مدت بود و از نیمه اول قرن بیستم، بتدریج برنامه‌های میان مدت یک تا سه ساله باب شدند. بعد از پایان جنگ دوم جهانی، آلمان و ژاپن، بدلیل اشغال خاک خود، نگران شکسته شدن وحدت ملی و تجزیه کشور به اجزاء بیشتری بوده و لذا به سوی برنامه‌های بازسازی درازمدت گرایش پیدا کردند. در مقابل، کشورهای پیروز در جنگ دوم جهانی یعنی امریکا و شوروی هم برای اداره جهان به برنامه‌ریزی درازمدت روی آوردند.

در آسیا ابتدا ژاپن و سپس مالزی و چین به تدوین برنامه‌های بلند مدت گرایش پیدا کردند. چشم‌انداز ۱۴۰۴ ایران، ششمین چشم‌انداز یک کشور آسیایی و اولین نگاه دراز مدت ۲۰ ساله در تاریخ هفت هزار ساله ایران است که با کارشناسی وسیع و دقت فراوان توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام تدوین شد. نگارنده این مقاله در جریان پژوهش مجموعه‌ای تلویزیونی پیرامون چشم‌انداز ۱۴۰۴ طی دو سال تلاش کرد تا شاخص‌های اصلی چشم‌انداز ۱۴۰۴ ایران را با

۱- طراحی برنامه‌ای محدود که ناظر به حال است.

۲- برنامه‌ای منسجم با ابعاد اجرایی برای رسیدن به چند هدف خاص است که دولت‌ها آن را بصورت کوتاه مدت، میان‌مدت و بلندمدت تدوین و به مرحله اجرا می‌گذارند.

۳- برنامه‌ای طراحی شده ولی تک بعدی برای تحقق یک هدف یک برنامه مشخص است.

۴- برنامه هدفمندی است که دارای اجزای مشخص (راهبردی، راهکار و سنجش عملکرد) است.

۵- نامی برای سازمان غیر دولتی در مقابل سازمانهای دولتی است.

شاخص‌های اصلی برنامه راهبردی ۲۰۲۵ ژاپن و برنامه راهبردی ۲۰۲۰ مالزی مقایسه کند. حاصل گفتگوهای تصویری با بیش از یکصد و پنجاه کارشناس داخلی و خارجی، تولید مجموعه‌ای به نام ایران فردا بود که از شبکه سوم سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش شد. مطالعات عملی<sup>۱</sup> و مذاکرات و مطالعات حضوری آن پژوهش وسیع، انگیزه‌ای شد تا پس از مصاحبه‌های طولانی با کارشناسان برنامه‌های راهبردی در ژاپن، مالزی، چین و هند، تجربیات و برداشتهای خود را با نگارش این مقاله هرچند ناچیز به محققین محترم منتقل نمایم.

### مفاهیم اصلی چشم‌انداز

محققین حوزه توسعه‌یافتگی، چشم‌انداز را مفهومی تعریف کرده‌اند که با افعال دیدن و نگریستن و به موضوعات دور دست ارتباط دارد (حسنلو، ۱۳۸۵: ۱۳۶).

گاهی واژه چشم‌انداز<sup>۲</sup> با مأموریت<sup>۳</sup> بجای یکدیگر استفاده می‌شوند در حالیکه مأموریت ناظر بر زمان حال و چشم‌انداز ناظر بر زمان آینده است. در تهیه و تنظیم چشم‌انداز بلند مدت، دو مفهوم اصلی «پیش‌بینی» و «آینده‌نگری» مورد استفاده قرار می‌گیرد و در اغلب متون، چشم‌انداز مترادف با پیش‌بینی در نظر گرفته شده در حالیکه پیش‌بینی روشی است که در آن وضعیت موجود به دقت بررسی می‌شود و بر اساس امکانات، قابلیت‌ها و فرصت‌های موجود تصویری از آینده ترسیم می‌گردد (رضایی، ۱۳۸۴: ۲۳)، ولی آینده‌نگری، فرایندی است که در آن ابتدا تصویری از وضع مطلوب و آرمانی در نظر گرفته شده و توانایی‌ها و قابلیت‌های لازم برای رسیدن به آن ایجاد می‌شود.

چشم‌انداز برخلاف پیش‌بینی‌های متداول در علوم، فراگیر و کلی‌نگر است. در رویکرد مبتنی بر چشم‌انداز، هیچ چیز ثابتی در نظر گرفته نمی‌شود و هدف از ترسیم چشم‌انداز، تصویر آینده و نه پیش‌بینی آینده است. چشم‌انداز به مثابه روحی در کالبد طرح‌ها و برنامه‌های یک جامعه، دارای ویژگی‌هایی است که با ایجاد یک تصویر ذهن<sup>۴</sup> به ترسیم آینده طرح‌ها و برنامه‌ها می‌پردازد.

۱ - case study

۲ - Vision

۳ - Mission

۴ - Mental Image

همچنین چشم‌انداز با ستاره قطبی<sup>۱</sup> و فانوس دریایی<sup>۲</sup> و نقشه راه<sup>۳</sup> مقایسه شده که فقط راه را نشان می‌دهد. بطور طبیعی کسی که توسط ستاره قطبی راه خود را پیدا می‌کند بدنبال مقصد دیگری در مسیر ستاره قطبی است، نه اینکه بخواهد به ستاره قطبی برسد و این امر همان تفاوت اساسی میان چشم‌انداز و برنامه راهبردی است.

با توجه به بررسی‌های انجام شده، چشم‌اندازهای موفق در جهان سه ویژگی داشته‌اند: آرزوهای بی‌انتها داشته‌اند، الهام‌بخش بوده‌اند و بالاخره، رهنمودهایی را برای تصمیم‌گیری ارائه داده‌اند (بلاسکو<sup>۴</sup>، ۱۹۹۰: ۱۱۱). در حالیکه برنامه راهبردی، هدف‌های مشخص، روشن، قابل اندازه‌گیری و معطوف به هدف<sup>۵</sup> است.

اگر از چشم‌اندازهای ناموفق بگذریم، یک چشم‌انداز خوب، هم آرمانگرا<sup>۶</sup> و هم واقع‌گراست<sup>۷</sup>. آرمانگرا است بدین معنی که اهداف آن به آسانی قابل حصول نیست ولی رگه‌هایی از واقع‌گرایی دارد، زیرا مردم به عملی شدن اصول اهداف آن امید می‌بندند و باید شرایط زندگی آنان با قبل از چشم‌انداز تفاوت کند (نانوس، ۱۳۷۷). واقعیت آنست که چشم‌اندازهای بلند و دراز مدت، ابتدا آرمانگرا بودند ولی در مسیر طولانی، هرچه به زمان تحقق خود نزدیک شده‌اند به سوی برنامه‌های واقع‌گرا، تغییر مسیر داده‌اند. حداکثر انتظار از نقش چشم‌انداز آن است که کمک کند تا هر فردی از جامعه به نگاه و اندیشه کلان دست یابد و جایگاه خود را در گستره فعالیت‌های خرد و کلانی که باید برای تحقق اهداف و آرمان‌های جامعه صورت پذیرد، پیدا کرده و با انجام وظیفه‌ای که در خور اوست، ایفای تعهد و مسئولیت نماید (ناظمی‌اردکانی، ۱۳۸۵: ۱۲۵).

تجربه دیگر کشورهایی که مسیر دشوار تدوین چشم‌انداز را طی کرده‌اند، نشان داده که این مسیر

- 
- ۱ - Polaris
  - ۲ - Light house
  - ۳ - roading map
  - ۴ - Belasco
  - ۵ - Campaign
  - ۶ - Idealist
  - ۷ - Realist

با ابهام و پیچیدگی وصف ناپذیری همراه است. برای موفقیت چشم انداز، شرط‌هایی لازم است که در همه جوامع فراهم نیست. بعضی از این شروط را می‌توان اینگونه برشمرد:

۱. مدیریت چشم‌انداز یک فرایند مشارکتی، به منظور تحقق اهداف چشم‌انداز است. لذا چشم‌انداز باید بخوبی و به طریقی الهام‌بخش و به صورتی وسیع به اطلاع همه افراد آن جامعه برسد و آلا چون رفتار دولت مجری چشم‌انداز در افق چشم‌انداز به دقت ترسیم و شفاف نشده، هر دولتی می‌تواند برداشت متفاوتی از آن داشته باشد.
۲. در صورتی که همه افراد مخصوصاً افراد جامعه تأثیرگذار بر مدیریت جامعه، اهداف چشم‌انداز را بخوبی نفهمند و با ابعاد و جنبه‌های مختلف آن آشنا نشده باشند، هر کسی در هر مقامی بخود اجازه می‌دهد که دیدگاه خود را در مسیر تحقق چشم‌انداز تصور کند.
۳. چشم‌انداز تنها در صورت داشتن انگیزه در بخش مدیریت عالی جامعه برای ایجاد حرکت در افراد و جامعه به پیش می‌رود، لذا مدیران عالی‌رتبه جامعه باید برای ایجاد تعهد در سایر رده‌های مدیریتی کشور فعال شده و بعنوان یک کاتالیزر، پابندی کلیه سطوح مدیران کلان، مدیران میانی و مدیران رده پایین جامعه را به تعهد به سوی چشم‌انداز سوق دهند (روشندل، ۱۳۸۶: ۴۶).
۴. چشم‌انداز باید بطور شفاف جایگاه آینده جامعه را نشان دهد تا اثربخش و الهام‌بخش باشد، بگونه‌ای که افراد مختلف جامعه بدانند در چه موقعیتی قرار دارند و چه نقشی در تحقق چشم‌انداز می‌توانند بر عهده گیرند (کوزس و پایز، ۱۹۹۱: ۴۵).
۵. چشم‌انداز توان خلق و تبیین آرمان جذاب و مطلوبی را دارد که برای تحقق آن باید بطور شفاف در همه سطوح جامعه اطلاع‌رسانی شود. لذا هرچه پیام چشم‌انداز ساده‌تر و کوتاه‌تر باشد، احتمال درک و تحقق آن بیشتر است (استریواستوا، ۱۹۸۳: ۱۲۴).
۶. بهبود دائمی چشم‌انداز و ارزیابی در حال اجرای آن، یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است و بطور مرتب باید عملکرد چشم‌انداز مورد ارزیابی قرار گیرد و روند پیشرفت آن تبیین شود تا کاستی‌ها و تغییرات در حال وقوع در جامعه، چشم‌انداز را از مسیر طراحی شده منحرف نکند (نانوس، ۱۹۹۶: ۱۰۲).

## اهمیت تفکر برنامه‌ای

در ادبیات مدیریت و رهبری، یک اصل اساسی وجود دارد و آن این است که «همه کارها قابل انجام است ولی کار هر چه دشوارتر باشد، برنامه‌ریزی باید دقیق‌تر باشد.» با این توصیف، برنامه‌ریزی جوهر مدیریت بشمار می‌رود و قلب یک برنامه درازمدت، هدف‌گذاری و برنامه‌ریزی برای رسیدن به هدف و تحقق آن هدف است؛ به همین دلیل مهمترین اصل در تفکر برنامه‌ای، مهارت در هدف‌گذاری است (کوونتز<sup>۱</sup>، الف، ۱۹۸۸: ۱۰۳). از طرفی علم مدیریت، مهم‌ترین وظیفه مدیران را برنامه‌ریزی برای جامعه و عامل اصلی ایجاد تفاهم برای اقدامات آینده هر کشور می‌داند. با برنامه‌ریزی خوب، تعهد نسبت به عمل بر مبنای تعقل و تفکر آینده‌نگر و عزم بر تکرار عمل پدید می‌آید و لذا عقلانیت، مهم‌ترین پارادایم در عرصه ساماندهی جامعه و توسعه و توسعه‌یافتگی است (امیری، ۱۳۸۵: ۹۱).

قبل از پرداختن به ویژگی‌های برنامه راهبردی، چهار گام مهم سپری شده در مسیر تحول نظری در برنامه‌ریزی و مدیریت جوامع را به اختصار تقدیم می‌دارم:

**برنامه‌ریزی استراتژیک:** اولین گامی است که در سال ۱۹۵۰م. برداشته شد و در آن توجه تصمیم‌گیران به کجایی و چرایی حرکت سیستم در آینده بود. تحلیل این روش را طراحی استراتژی و فرایند طراحی گروهی آن را «برنامه‌ریزی استراتژیک» می‌نامند.

**برنامه‌ریزی توانمندی:** دومین گامی است که در سال ۱۹۷۰م. برداشته شد و آن زمانی بود که مدیران ارشد برنامه‌ریز، کشف کردند که با هر تغییر گسسته در استراتژی، توانمندی‌های سیستم نیز باید دگرگون شود تا از فرایند تعیین توانایی‌های مورد نیاز سیستم برای حمایت از استراتژی‌های جدید استفاده شود و به همین دلیل آنرا «برنامه‌ریزی توانمندی» نامگذاری کردند.

**مدیریت مسأله:** سومین گامی است که در اوایل سال ۱۹۸۰م. و در واکنش نسبت به تواتر روزافزون گسستگی‌های ناگهانی و شتابنده در محیط، بویژه گسستگی‌های اجتماعی، سیاسی و تکنولوژیک برداشته شد. اصطلاح مدیریت مسئله<sup>۲</sup> برای مواجهه با این دگرگونی‌های جوامع و سازمان‌ها شروع به استفاده از فن واکنش استراتژیک در زمان واقعی کرده است.

۱ - Koontzet

۲ - problem management

**مدیریت تغییرات گسسته:** چهارمین گامی است که با بروز مقاومت در قبال حرکت‌های اولیه در استقرار برنامه‌ریزی استراتژیک در جوامع شکل گرفت. اصطلاح «مدیریت تغییرات گسسته»<sup>۱</sup> با استفاده از عوامل روانشناختی، جامعه‌شناسی و نظام‌یافته سیستم‌های پیچیده، راه‌های غلبه بر این مقاومت غیرمشهود، کشف شد (آنسوف<sup>۲</sup>، ۱۹۷۵:۱۴۳).

### چشم‌انداز یا برنامه راهبردی؟

با تعاریف فوق تفاوت چشم‌انداز و برنامه راهبردی از نظر تئوریک و شرایط بوجود آمدن آنها در مقاطع تاریخی مختلف مشخص شد، در عمل نیز میان چشم‌انداز و برنامه راهبردی تفاوت‌های اساسی وجود دارد. در حالیکه علم مدیریت به صراحت می‌گوید که چهار عامل طرح<sup>۳</sup>، زمان<sup>۴</sup>، مکان<sup>۵</sup> و منابع<sup>۶</sup> موفقیت یک برنامه راهبردی را تضمین می‌کند. در چشم‌اندازها تنها طرح وجود دارد ولی مکانیزمی عملی برای هماهنگی میان سه عامل دیگر (زمان، مکان و منابع) در چشم‌اندازها وجود ندارد. از طرفی طرح موفق بدون مدیریت زمان، مکان و منابع امکان‌پذیر نیست و این قدرت تنها در اختیار یک برنامه راهبردی منسجم قرار دارد. در کشور ما چشم‌انداز بیست ساله‌ای طراحی شده که چهار برنامه پنج ساله را پوشش می‌دهد ولی دولت‌های متغیر باید منابع مالی آنرا در زمان و مکان و شرایط متفاوت به مرحله اجرا در آورند. این شیوه عمل مانند آنست که چهار برنامه پنج ساله را در کنار یکدیگر چیده و آنرا چشم‌انداز ۲۰ ساله بنامیم که الزاماً نه تنها پنج برنامه متفاوت، نقش واحدی را کامل نمی‌کنند بلکه ممکن است نقشه‌ای در هم ریخته را در انتهای زمان به تصویر بکشند.

علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
مركز مصلح علوم انسانی

### برنامه راهبردی و تحقق ژاپن مدرن

برای آنکه اجرای موفق یک برنامه راهبردی در یک کشور آسیایی و با دشواری‌هایی به مراتب

۱ - Discrete Variations Management

۲ - Ansoff

۳ - program

۴ - time

۵ - place

۶ - source

سخت‌تر از کشور ما را مورد بررسی قرار دهیم، به تجربه موفق کشور ژاپن می‌پردازیم. کشور ژاپن اکنون در حال اجرای سومین برنامه راهبردی بلند مدت ۲۵ ساله است. مدیریت برنامه‌ریزی‌های راهبردی در ژاپن را بخش خصوصی بنام فدراسیون فعالیت‌های اقتصادی ژاپن<sup>۱</sup> برعهده دارد که یک N.G.O واقعی با صدها کارشناس اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، روابط بین‌الملل و استراتژیک در کشورهای مختلف جهان است (موریتا<sup>۲</sup>، ۱۹۹۵: ۲۳).

فدراسیون فعالیت‌های اقتصادی در ژاپن، پنج وظیفه اساسی را بر عهده دارد:

۱- شناسایی و جذب کارشناسان نخبه در داخل و خارج از ژاپن و در حوزه‌های مختلف

علمی و دریافت منظم اطلاعات و تحولات جاری و آتی از نخبگان؛

۲- پیش‌بینی علمی تغییرات استراتژیک جهان در زمانبندی‌های ۱۰ تا ۵۰ ساله؛

۳- تهیه برنامه‌های ۲۵ ساله راهبردی برای توسعه ژاپن و تحویل آن به مجلسین سنا و نمایندگان ژاپن جهت تصویب و ابلاغ آن به دولت جهت اجرا؛

۴- ارزیابی عملکرد برنامه‌های راهبردی به اتمام رسیده و برنامه راهبردی در حال اجرا و تشخیص میزان انحراف دولت از برنامه راهبردی طراحی شده؛

۵- دادن اخطارهای لازم به دولت در صورت انحراف از برنامه راهبردی و تعیین میزان انحراف دولت از برنامه‌های راهبردی و در صورت نیاز توقف دستور اجرای برنامه راهبردی.

کارشناسان توسعه جهانی با نام و چهره پرفسور «اکیومورتیا» معمار اقتصادی ژاپن و نویسنده کتاب «ساخت ژاپن»<sup>۳</sup> و از بنیانگذاران «فدراسیون فعالیت‌های اقتصادی ژاپن» آشنا هستند. موریتا در مورد برنامه‌ریزی پنجاه ساله‌ای که به کنترل خسارات زلزله، سیل و آتشفشان در ژاپن انجامید، با زبانی ساده می‌گوید: «در ژاپن، ما همیشه درگیر حفظ بقا هستیم. هر روز زمین به معنی واقعی با زلزله‌های بالای پنج ریشتر، توفان‌های با سرعت بیش از یکصد کیلومتر در ساعت، آتشفشان‌های مهیب و با میانگین پانصد زمین لرزه در سال (یعنی دو زمین لرزه در هر روز) می‌لرزد، چنانکه

۱ - Nippon kiedanken

۲ - morita

۳ - made in japan



شهر توکیو دو بار با خاک یکسان شده است و برنامه‌ریزان راهبردی ژاپن در سال ۱۹۶۵ توافق داشتند که جلوگیری از وقوع زلزله، سیل و آتشفشان امکانپذیر نبود. از طرفی ترس مردم و خسارت و تلفات، تحمل‌ناپذیر شده بود لذا برنامه‌ریزان راهبردی ژاپن به این نتیجه رسیدند که تنها راه باقیمانده، تغییر بافت ساختمان‌های فرسوده در کشور است. ولی تحقق این امر احتیاج به یک عزم ملی و برنامه‌ای طولانی‌تر از برنامه‌های پنج ساله داشت. لذا طی دو برنامه اول و دوم راهبردی تغییر بافت مناطق مسکونی طراحی و بر اجرا و نظارت آن طی سی سال به دقت نظارت شد. اکنون در پایان دو برنامه راهبردی و در حالیکه هنوز آن دو زلزله در روز وجود دارد، کشور ژاپن از نظر استحکام بنا و منازل به جایی رسیده است که دیگر ساختمانی در زلزله هفت ریشتر خراب نمی‌شود. نظم شهرها با سیل و طوفان بهم نمی‌ریزد و آتشفشان‌ها در دل مردم ژاپن هراس نمی‌اندازد. (مصاحبه اختصاصی نویسنده با پرفسور اکیومورتیا).

از مدیر فدراسیون فعالیت‌های اقتصادی ژاپن پرسیدم از آنجا که ژاپن یک دموکراسی پارلمانی است، برنامه‌های راهبردی فدراسیون با تغییر مجالس قانونگذاری و تغییر دولت‌ها تا چه میزان دچار دگرگونی می‌شوند؟

پروفیسور مورتیا با مثالی قابل فهم به سؤالم چنین پاسخ داد: «فرض کنید تصمیم بگیریم تا قطاری را برای سفری ۲۵ ساله آماده کنیم. موتور محرکه (لوکوموتیو) این قطار عزم ملی و علم روز برای توسعه‌یافتگی است و واگن‌های آن قطار از شماره یک تا شماره شش اولویت‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، امنیتی و قضایی آن کشور هستند. وظیفه کارشناسان فدراسیون ژاپن در برنامه راهبردی آنست که مسیر ۲۵ ساله را برای حرکت قطار ریل‌گذاری کنند، در طول بیست و پنج سال جهت حرکت قطار، سرعت حرکت قطار، زمان حرکت قطار، زمان توقف قطار در ایستگاه‌های اصلی (برنامه‌های پنج ساله) و بالاخره زمان رسیدن قطار به مقصد نهایی، بعلاوه تأمین نیازهای قطار در طول مدت سفر ۲۵ ساله را محاسبه کند. ما با درک از واقعیات جامعه ژاپن و جهان، میزان سوخت اولیه و سوخت‌گیری‌های بعدی، نیازهای غذایی و رفاهی مسافری، امکانات ارتباطاتی و زندگی مردم در کوچه‌ها را کاملاً پیش‌بینی می‌کنیم.

با چنین تصویری از برنامه‌ریزی راهبردی، برگزاری انتخابات و تغییر ترکیب نمایندگان احزاب مختلف چپ و راست در کنگره و مجلس نمایندگان ژاپن و جابجایی دولت‌های برخاسته از ترکیب اکثریت احزاب در دو مجلس ژاپن هیچ لطمه‌ای به تداوم برنامه راهبردی نمی‌زند. در

ژاپن براساس قانون اساسی، همه احزاب و فعالان سیاسی و اجتماعی پذیرفته‌اند که برنامه‌های راهبردی طراحی شده از سوی فدراسیون را که هیچ وابستگی به هیچ حزب یا دولتی ندارد را بعنوان برنامه‌هایی بر پایه «تأمین منافع ملی درازمدت ژاپن» اجرا کنند. تغییر دولت از دید برنامه‌ریزان راهبردی فدراسیون ژاپن به تغییر لوکوموتیوران قطاری می‌ماند که شیفت کاری او تمام شده و در یک توقف پیش‌بینی شده در ایستگاه جابجا می‌شود. در ژاپن دولت‌های چپ و راست پس از روی کار آمدن در صورت روبرو شدن با شرایط پیش‌بینی نشده اعم از داخلی (مانند رکود شدید) و یا بحران بین‌المللی (مانند فروپاشی شوروی)، فقط مجاز هستند در زمان محدود توقف قطار در ایستگاه بین راه، اقدام به تغییر اولویت در جابجایی چینش واگن‌های قطار کنند. بدیهی است در صورت نیاز به چنین تغییراتی فدراسیون فعالیت‌های اقتصادی ژاپن بعنوان متولی برنامه‌های راهبردی و ارزیابی کننده آن برنامه قبل از هر گونه اقدامی از سوی دولت در جریان این تغییرات قرار می‌گیرد تا در ارزیابی عملکرد برنامه راهبردی بتواند آن تغییرات را مورد نظر قرار دهد (همان).

مجموعه مذاکرات و مصاحبه‌های انجام شده در برنامه تلویزیونی «ایران فردا» با برنامه ایران استراتژیک در کشورهای مالزی، چین و هند، بیانگر همین نگاه کاربردی و برنامه‌ای به برنامه‌های کلان توسعه در آن کشورهاست که ذکر همه آن‌ها در این مقال نمی‌گنجد.

### تجربه ایران، چشم‌انداز یا برنامه راهبردی

پس از گذشت پنج سال از تصویب و ابلاغ چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران، واقعیت‌های زیر بیانگر آنست که چشم‌انداز ۱۴۰۴ نه چشم‌انداز است و نه برنامه راهبردی، بلکه ترکیبی از چشم‌انداز و برنامه است؛ بطوریکه هم الزامات چشم‌انداز و هم برنامه را دارد:

۱. اصل چشم‌انداز پنج سال پیش تصویب و ابلاغ شد، ولی الزامات آن که حالت برنامه راهبردی به چشم‌انداز می‌دهد، دو سال بعد به تصویب مجمع تشخیص مصلحت رسید و بعنوان متمم چشم‌انداز ابلاغ شد!

۲. تصویب الحاقیه اصل ۴۴ به چشم‌انداز، سه سال بعد در مجمع تشخیص مصلحت نظام تصویب و بعنوان ضمیمه چشم‌انداز اجرایی گردید!

۳. تفاوت برداشت اساسی میان مجموعه تدوین‌کنندگان چشم‌انداز بیست ساله (حداقل در سطح رئیس و دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام) با رئیس دو دولتی که در مدت

پنج سال گذشته مسئولت اجرائی کشور را برعهده داشتند، بارها در مطبوعات و رسانه مطرح شده است. این تفاوت برداشت برای چشم‌انداز امری طبیعی است ولی انتظارات تدوین‌کنندگان چشم‌انداز در حوزه اجرا است.

۴. تفاوت اساسی در برداشت، فقط بین تدوین‌کنندگان چشم‌انداز و دولت‌ها وجود ندارد بلکه بین دو دولت مجری در پنج ساله گذشته در مورد اهداف چشم‌انداز ۲۰ ساله نیز تفاوت دیدگاه وجود داشت و احتمالاً با دولت‌های آینده نیز وجود خواهد داشت.

۵. مجمع تشخیص مصلحت نظام در پایان سال ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶ دو سمینار در زمینه چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴ برگزار کرده است. با مروری به مقالات ارائه شده در دو سمینار برگزار شده در می‌یابیم که قریب به اتفاق طراحان برنامه چشم‌انداز بیست ساله اذعان دارند که آنچه به نام چشم‌انداز در حال اجراست با اهداف آنها در زمان طراحی آن کاملاً متفاوت است. این تفاوت برداشت به این امر برمی‌گردد که طراحان در مجمع تشخیص مصلحت نظام، چشم‌انداز طراحی کرده‌اند ولی از دولت‌ها انتظار برنامه راهبردی دارند؟!

با توجه به مطالب فوق به طراحان و دلسوزان مجمع تشخیص مصلحت نظام پیشنهاد می‌نمایم بجای نقد عملکرد دولت هشتم و نهم در مورد انحراف از چشم‌انداز، قبل از آنکه دولت‌های دهم و یازدهم و دوازدهم فرا برسند، از موضع مشاور مقام معظم رهبری و از موضع مسئول برنامه‌ریزی کلان کشور، برای یکسان کردن اهداف و نتایج در پانزده سال آینده، سریعاً چشم‌انداز را به برنامه رهبردی بلند مدت تبدیل کنند تا هم تکلیف برنامه‌ریزان و هم تکلیف دولتمردان مشخص شود و هم امکان سنجش انحرافات دولت از برنامه راهبردی مشخص باشد. امیدوارم این اقدام مجمع تشخیص مصلحت نظام یکبار دیگر کشور عزیز ما را به نمونه‌ای در برنامه‌ریزی راهبردی موفق در منطقه تبدیل نماید.

## منابع

- امیری، مجتبی (۱۳۸۵)، *موانع و چالش‌های اساسی در تحقق و پیاده‌سازی سند چشم‌انداز*، مجموعه مقالات همایش ملی سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران، جلد پنجم.
- حسنلو، خسرو (۱۳۸۵)، *دیدمان و نقش آن در ترسیم چشم‌انداز*، مجموعه مقالات همایش ملی سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران، جلد چهارم.
- رضائی، محسن و مبینی‌دهکردی، علی (۱۳۸۵)، *ایران آینده در افق چشم‌انداز*، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول.
- رضایی، محسن (۱۳۸۴)، *چشم‌انداز ایران فردا*، انتشارات ایندیکا، چاپ اول.
- فانوس، برت (۱۳۷۷)، *رهبری بصیر*، ترجمه محمد ازگلی و بروز فرهی بوزنجانی، تهران: انتشارات دانشگاه امام حسین (ع).
- ناظمی‌اردکانی، مهدی (۱۳۸۵)، *درآمدی بر بازساخت الزامات تحقق سند چشم‌انداز*، مجموعه مقالات همایش چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران، جلد پنجم.
- Ansoff. It.L.(1975) *Corporate strategy*, penguin Book .LTD.
- Belasco A.J.(1990), *Teaching the Elephant to pance*, New york, crown publishers
- Donald N.sull & yang wang (2005), *Mad in china (what western can learn from trailb lazng Chinese entrepreneurs*, Foreign languages press. Beijing\_china
- Fulin(2000), *Chinas economic reform at the turn of the turn of the century*, foreign languages press. Beijing China.
- Fulin(2000), *Reform determines future of china*, foreign languages press Beijing china
- Koontz, H.et.al.(1988), *Management*, 8 th Ed. New york, Mc Grow. Hill
- Mengkai wang(2000) *China Economic transformation over 20 years*. Foreign language press. Beijing china.